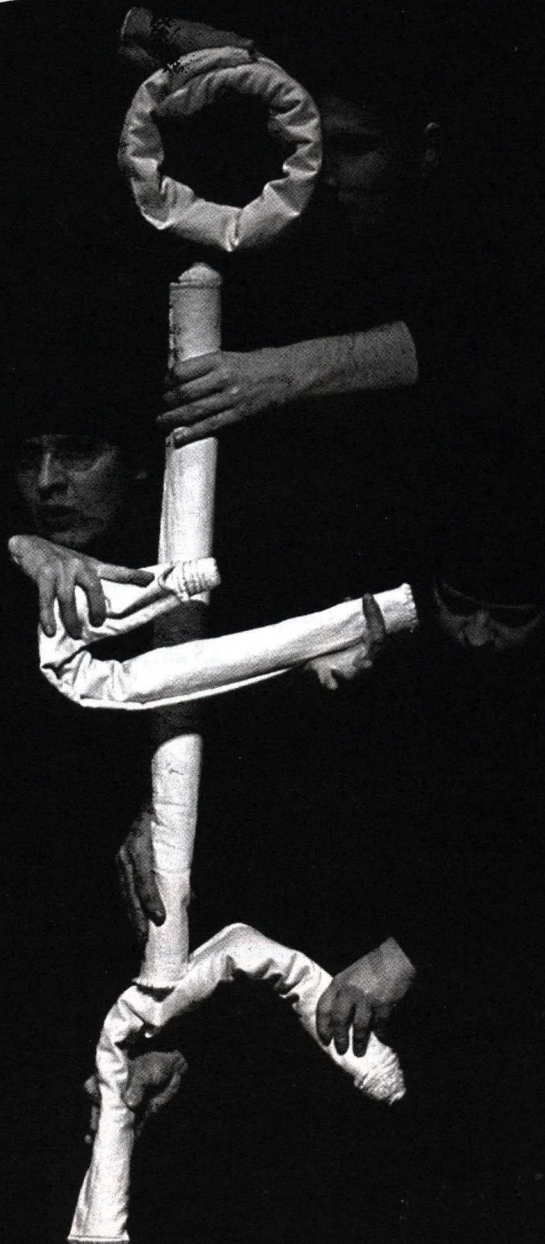


نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

جمعه ۱۷ شهریورماه ۱۳۸۵





رامایانا که در قرن سوم پیش از میلاد تصنیف شده است، ماجراهای شاه راماست که از سلطنت محروم شد و به همراه همسرش ستیا تبعید شد. بعد از آن که ستیا به وسیله یک شاه شیطانی (دیوشاه) ربوده می‌شود، راما با سوگریوا، شاه میمون‌ها، و هاسومان فرمانده میمون‌ها، میمونی که به او در نبرد بزرگ لانظا کمک کرده بود، متحد می‌شود. در پایان نبرد، راما، ستیا را آزاد می‌کند و سلطنت خود را باز می‌یابد. مهابهاراتا اثر بعدی بین سال‌های ۲۰۰ پیش از میلاد و ۲۰۰ پس از میلاد تصنیف شده و طولانی‌تر است.

امروز چه می‌بینید؟

فرهنگسرای ابن سینا ۱۷: عاشق شدن به فصل سرما (محمدتقی اسماعیلی)
فرهنگسرای هنر ۱۷: پیام آفتاب (داود فتحعلی بیگی)
 نمایش‌های خیابانی
تئاتر شهر ۱۷: ارائه نمایش‌های ایرانی (ابوالفضل رزمیاری)
تئاتر شهر ۱۹: خواننده‌پرا (علیرضا ناصحی)
پارکینگ تالار وحدت ۲۲ و ۱۸/۳۰: مزرعه حیوانات (پاول ژکوتاک)
فرهنگسرای بانو ۱۹: لنگ درازها (محسن پورقاسمی)
فرهنگسرای اقوام ۱۸: رقص چوب (مهدی آبشناس و مهدی یوسفی)
فرهنگسرای رازی ۲۰: این عروسک مال کیه (ایرج کله چاهی اصل)
فرهنگسرای فدک ۱۸: نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه (بهناز مهدیخواه)
فرهنگسرای بهمن ۱۸: کیسه جادو (مهدی اسماعیلی)
فرهنگسرای جوان ۱۸: لطفاً پنهان نشوید (رجبعلی فلاح)

تالار اصلی ۲۰/۳۰ و ۱۸/۳۰: مسخ (کرزیستف راثو)
تالار چهارسو ۱۹/۳۰ و ۱۷: خواب دیدم پاره‌های ماه چون پر می‌بارد (مریم معینی)
تالار قشقای ۱۸/۳۰ و ۱۶/۳۰: وقتی نخودی غول می‌شود (افسانه زمانی)
تالار سایه ۱۹ و ۱۶: انیمالیا (خوزه و ناوارو)
تالار کوچک ۱۹/۳۰ و ۱۸: مالخولیای گذر زمان (خوزه لوئیس ناوارو)
تالار نو ۱۸: نمایش سایه (شون کنان)
مرکز تولید تئاتر عروسکی کانون ۱۹/۳۰ و ۱۷: گاو (حامد زحمتکش، مهدی فرشیدی سپهر)
تالار فردوسی ۲۰: اپرای عروسکی رستم و سهراب (بهروز غریب‌پور)
تالار مولوی ۱۸/۳۰: مثل‌های عروسکی (فرناز بهزادی)
فرهنگسرای بهمن ۱۷: شازده کوچولو (لاریسا مانگاساروا)



پاسخ تشویق تماشاگران با اجرای نمایش

بازیگر نمایش «انیمالیا» از کشور انگلستان به‌شیوه‌ای خاص از تماشاگران تشکر کرد. بعد از اجرای این نمایش هنگامی که تماشاگران، تنها بازیگر این نمایش را مورد تشویق قرار می‌دادند، این بازیگر انگلیسی، به‌شیوه‌ای خاص و با استفاده از یک کلاه از تشویق تماشاگران تشکر کرد. او در قالب اجرای یک نمایش کوتاه که با استفاده از کلاه اجرا می‌شده، از تماشاگران تشکر کرد.

علی یاکدست، کارگردان شد و بهروز غریب‌پور مجری

علی یاکدست کارگردانی مراسم اختتامیه یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک را برعهده دارد.

شلاکریملاکوم به تالار هنر نرسید

«اسب آبنوس» و «عاشق شدن به فصل سرما» جایگزین نمایش «شلاکریملاکوم» به کارگردانی پاتریک سیمز شد. نمایش عروسکی «شلاکریملاکوم» که محصول مشترک چهار کشور فرانسه، آمریکا، انگلستان و پرتغال بود به دلیل نیامدن گروه به ایران لغو شد و دو نمایش عروسکی از شهرهای تنکابن و اردبیل جایگزین این کار شدند. «اسب آبنوس» نوشته کیوان میرمحمدی با کارگردانی محمد حسن نجفی دیروز در ساعت‌های ۱۷ و ۱۹ اجرا شد و «عاشق شدن به فصل سرما» نوشته محمد برومند با کارگردانی محمد تقی اسماعیلی امروز در این ساعت‌ها در تالار هنر به‌صحنه می‌رود.

بهروز غریب‌پور نیز به عنوان مجری برنامه اختتامیه در این مراسم حضور خواهد داشت. در این مراسم مانند تمام دوره‌های قبلی، از تمام گروه‌های داخلی و خارجی شرکت‌کننده در مراسم جشنواره، تقدیر خواهد شد. شورای برگزاری جشنواره البته ترجیح می‌دهند درباره برنامه‌های دیگر مرام اختتامیه چیزی اعلام نکنند تا چیزی از هیجان مراسم برای شرکت‌کنندگان کم نشود. به یاد کامبیز صمیمی مخم، «پدر ژیتوی ایران»؛ درست نمی‌دانم، دیدن عکس‌های قدیمی پشت بولتن مرا به یاد او انداخت یا برپایی نمایشگاهی از عروسک‌هایش. هرچه بود، یاد حرف ایرج طهماسب و نوشته‌ام افتادم، که گفته بود: «شاپرک‌ها عمر کوتاهی دارند»

نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

گروه خبر و گزارش: ندال طیب، مریم رضاده
 گروه نقد و مقاله: رضا آشفته، امید بی نیاز، محمدرضا رستمی، آزاده سهرابی، بهزاد صدیقی و مهدی عزیزی
 حرف‌نگار: ابراهیم نجفی
 ویراستار و نمونه‌خوان: جواد قاسمی
 مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشیروان میرزایی
 لیتوگرافی ۱۲۸ - تلفن: ۶۶۹۶۴۱۳۰
 چاپخانه و صحافی: نخستین - تلفن: ۶۶۷۰۵۴۶۲

زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
 سرمدیر: رامتن شهبازی
 مدیر هنری: حسین نوروزی
 مدیر اجرایی: حمیدهنری
 دبیر عکس: رضا معظریان
 با همکاری رتوفه رستمی و مهسا کریمی
 ترجمه: امیلی امرایی
 با سپاس ویژه از اسدالله امرایی



یادداشت حمید جبلی برای نمایشگاه عکس جشنواره یازدهم عروسکی

این روزها همراه با برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک، نمایشگاه عکس نیز در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برپا شده است. امیر عابدی، سیامک زمردی مطلق، مسعود پاکدل، مریم محمدی، شکوفه هاشمیان، حسین سلمانزاده، ابراهیم حسینی، ناصر عرفانیان و سعید درویش نژاد عکاسانی هستند که آثارشان از نمایش‌های مختلف عروسکی به نمایش گذاشته شده است. عابدی، زمردی مطلق و پاکدل وظیفه انتخاب عکس‌ها را بر عهده داشته‌اند.

امشب مراسمی برای معرفی برگزیدگان این نمایشگاه برگزار می‌شود که حمید جبلی اجرای آن را به عهده دارد.

جبلی یادداشتی را به مناسبت برپایی این نمایشگاه نگاشته که با هم می‌خوانیم. جبلی خود سال‌ها قبل نیز عکاسی می‌کرده است. از نمایش یاد می‌ماند و خاطره و بازیگرانی که ما بعدها باور می‌کنیم آن خاطره خارج از ذهن ما وجود داشته است. اما در نمایش عروسکی، بازیگرانش که همان عروسک‌ها باشند می‌پوسند و نابود می‌شوند و تنها عکسی از آنها به یادگار می‌ماند که سندی باشد برای باور آنکه، چنین نمایشی وجود داشته. عکاسان هم، چون نمایشگران عروسکی، خودشان دیده نمی‌شوند و فقط کارشان را می‌بینیم. پس عکس نمایش عروسکی، تاراش عشق است و بوداش مهر. می‌ماند به یادگار از اجسامی بی‌جان که با دستان نمایشگران جان گرفته‌اند و عکاسی آن را برای ما ثبت کرده است. کاش دوربین و عکس و عکاس در دوران خیام هم بودند تا ما بدانیم راجع به چه لعبتی می‌گفت: ما لعبت‌کنیم و فلک لعبت باز

به یاد خالق عروسک‌ها

با امروز درست هشت سال از آن حادثه می‌گذرد. حادثه‌ای که حتی شش هزار قصه هم نتوانست داستان باور نکردنی آن را با عروسک‌هایش به تصویر بکشد. حادثه‌ای که در شهر عروسک‌ها اتفاق افتاده بود. یازدهمین جشن عروسک‌ها است و بعد از چهار دوره از نبودش، هنوز هم عروسک‌ها منتظر آن «همهان ناخوانده» و آن «گوش دراز» همیشه شنوا هستند. او که ورودش به دنیای عروسک‌ها اتفاقی بود و مرگ زود هنگامش هم باور نکردنی! درست فهمیده‌اید، از کامییز صمیمی مفخم، حرف می‌زنم. پدرزبوتوی دوست داشتنی و مهربانی که با سبیل‌های تاب خورده و چهره همیشه خندان، عروسک‌ها را لمس می‌کرد و به آن‌ها جان می‌داد.

او که هیچ‌گاه باور نمی‌کرد، با خواندن اطلاعیه روزنامه کیهان و اطلاعات، قدم به سرزمین افسانه‌ای و پر رمز و راز عروسک‌ها می‌گذارد. اما گویا همه چیز از قبل برای ورودش آماده شده بود. وقتی دیپلم می‌گرفت، هنوز چنین رشته‌ای در دانشگاه‌ها نبود. بعد از انتخاب رشته معماری و سرک کشیدن در حوزه نقاشی و بعد هم قبول نشدن در دانشگاه به سربازی رفت. بعدها که برگشت به اصرار دوستش در اولین دوره آموزشی نمایش عروسکی که شبانه برگزار می‌شد، ثبت‌نام کرد و با خودش عهد بست که اگر خوشش نیامد، انصراف دهد. اما نمی‌دانست که عروسک‌ها آن قدر او را وابسته می‌کنند که کمی بعد جزئی از خانواده آنها می‌شود.

آنهايي که امروز و در جشنواره امسال حضور دارند، همگی او را از نزدیک می‌شناسند و تجربه کار کردن و خندیدن با او را داشته‌اند. هماغذیکار، حمید جبلی، فاطمه معتمدآریا، عادل بزوده، اردشیر کشاورزی، بهروز غریب‌پور و بقیه اهالی عروسکی، همه او را از نزدیک می‌شناسند و جای خالی‌اش را در میان عروسک‌ها حس می‌کنند.

عروسک ساز دوست داشتنی، ما را با خود به سرزمین «هاچین و واچین»، «هادی و هدی»، «خورشیدخانم»، «آقای مبادا»، «خاطرات مدرسه»، «شش‌هزار قصه»، «آتش به سر»، «شهر موشها» و... می‌برد و بایک دنیا رویا تنها می‌گذارد.

یادش گرامی...

جلسه کانون ملی منتقدان

امروز کانون ملی منتقدان تئاتر ایران با همراهی انجمن نمایشگران عروسکی در تالار چهار سو نمایش خواب دیدم پاره‌ای ماه چون پر می‌بارد را به نقد می‌نشیند.

در این جلسه چيستایثربى، مینو فرشچی و رسول نظر زاده نمایش فوق را بررسی می‌کنند.

گزارش ورک‌شاپ گروه تئاتر هلند

ساخت عروسک مانند مدیتیشن است

کارگاه آموزش ساخت عروسک با حضور شارلوت پویک یولن، کارگردان نمایش «پانتارای» از هلند و همسرش رواف، مسوول نور و صدای این نمایش، صبح روز پنجشنبه در تالار کوچک برگزار شد.

بخش اول این کارگاه به بررسی عروسک‌های نمایش «پانتارای» اختصاص یافت. در این بخش شارلوت پویک یولن درباره کارکردهای عروسک‌های نمایش خود توضیحاتی ارائه داد.

در بخش دوم این کارگاه، شرکت‌کنندگان که اغلب دانشجویان تئاتر بودند، به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول زیر نظر شارلوت پویک یولن، به ساخت عروسک و گروه دوم زیر نظر رواف به ساخت ماسک پرداخت.

پویک یولن خطاب به شرکت‌کنندگان که دور تا دور یک میز جمع شده بودند گفت: «ساخت عروسک برای من مثل مدیتیشن می‌ماند که باید صبور باشی و تنها وقتی از نتیجه کار خود راضی می‌شوم که به آنچه می‌خواستیم، رسیده باشیم.»

در نخستین جلسه این کارگاه که از ساعت ۱۰ تا ۱۳ برگزار شد، سه عروسک‌ها با استفاده از روزنامه، چسب کارتن، دستمال کاغذی و ... ساخته شد و قرار شد در جلسه بعدی، هنرجویان، ساخت دست و پای عروسک‌ها را بیاموزند.

پویک یولن درباره موادی که شرکت‌کنندگان برای ساخت عروسک‌هایشان استفاده می‌کنند، پرسید و به آن‌ها گفت: «ما معمولاً ترجیح می‌دهیم با مواد طبیعی که ساده‌تر هستند کار کنیم چون این عروسک‌ها اگر مورد استفاده بچه‌ها قرار بگیرند برای آنها ضرری نخواهند داشت.

برای ساخت ماسک از خاک رس و گل سفال استفاده می‌کنم و قالب را از گچ می‌گیرم. استفاده از گل موجب می‌شود محصول نهایی، عروسک سبکی باشد.»

رواف که سرپرستی گروه سازنده ماسک را بر عهده داشت، از هر یک از شرکت‌کنندگان خواست ماسک‌های ساده و مسطحی را بسازند تا بتواند تکنیک‌های گوناگون را به آنها آموزش دهد.

در ادامه کارگاه، علی پاکدست و جواد ذوالفقاری به مدت کوتاهی در کارگاه حاضر شدند و از نزدیک شیوه آموزش شرکت‌کنندگان را بازدید کردند. نکته جالب در برگزاری این کارگاه حضور گرم دانشجویان بود به طوری که همه آنها برای ساخت ماسک و عروسک داوطلب شدند و پویک یولن اظهار امیدواری کرد مواد ساخت عروسک به تمام بچه‌ها برسد.

در حین برگزاری این کارگاه، گفت و گوهای دوستانه‌ای میان دانشجویان و پویک یولن درباره وضعیت نمایش عروسکی در ایران، درآمد هنرمندان این رشته، تعداد گروه‌های ثابت، کار عروسکی کودکان و بزرگسالان و ... صورت گرفت.



شماره روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مبارک

مبارک، عروسکی مستقل و ایرانی است

از چه زمانی نمایشگران عروسکی احساس کردند که می‌بایست نمایش عروسکی را به سمت مدرنیسم سوق داد؟

بیشترین تحولات مربوط به مدرنیزه کردن عروسکها در قرن نوزدهم و بیستم اتفاق افتاد و عروسکهای اتومات پیشرفته ساخته شد.

الزام تغییر بنیاد تئاتر عروسکی میل کردن آن به سمت مدرنیته چه بود؟

توسعه قابلیت‌های حرکتی عروسکها در بدن و حرکت و توانایی بیان پیچیده‌تر و کامل‌تر در قرن بیستم کشورهای چک سلواکی، مجارستان، روسیه با مطالعه و بررسی تکنیک‌های عروسک شرقی (هند-چینی-بیرمانی-ژاپن) نقش قابل توجهی را در مدرنیزه کردن نمایش عروسکی بازی گرفته است.

آیا این تغییرات به بدنه‌ی تئاتر عروسکی لطمه‌ای وارد نکرد؟

اگر منظور از این سوال شیوه‌ها و سنت‌های نمایش عروسکی است پاسخ این است که مدرنیزه کردن بسیاری از ویژگی‌ها را از بین برد. اما اگر جستجوگر توسعه امکانات اجرا باشیم باید توجه داشته باشیم که عروسک‌های جدید نسبت به اجداد خود توانایی و قابلیت‌های بیشتری یافته‌اند.

پیدایش نمایش عروسکی در ایران چه قدر پس از پیدایش آن در جهان صورت گرفت؟

اگر دوره کلاسیک تئاتر هند را آن گونه که مورخین گفته‌اند بین سال‌های ۳۳۰ تا ۸۰۰ میلادی در نظر بگیریم احتمالاً نمایش عروسکی در زمان بهرام گور از هند به ایران آمده و ماندگار شده است نظامی ورود نمایش عروسکی به ایران رامربوط به این دوره می‌داند.

آیا بدعت گذاران این نمایش در ایران در صدد کپی برداری از هم نوعان خود بودند؟

اگر چه عروسک‌های ایرانی از نظر اندازه و قابلیت حرکت اندام به نسبت عروسک‌های هند-چین-ژاپن و بیرمانی بسیار کوچکتر و کم‌تحرک‌تر هستند و تلاش قابل توجهی برای پیشرفت آنها صورت نگرفته اما گمان می‌کنم که از عروسک‌های هندی تأثیر گرفته باشند اگر چه خود نوعی مستقل و قابل شناسایی هستند و یکی از نمونه‌های نمایش عروسکی آسیا محسوب می‌شوند. به عنوان نمونه مبارک عروسکی مستقل و تیبی کال *tipical* ایرانی است.

دکتر محمدرضا خاکی متولد ۱۳۲۹ در کرمانشاه، دارای مدارک دکترای تخصصی تئاتر از دانشگاه سوربن پاریس، دیپلم مطالعاتی عالی DEA تئاتر و کارشناسی ارشد *Maitrise* در رشته تئاتر از دانشگاه پاریس و کارشناسی علوم تربیتی در زمینه روانشناسی آموزشی از فرانسه است. وی در تمام گروه‌های نمایشی موسسات آموزش عالی به آموزش رشته پرداخته است و ی هم اکنون عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس است. این گفت و گو در آستانه‌ی آغاز یازدهمین جشنواره‌ی تئاتر عروسکی با ایشان انجام شد.

منشاء پیدایش نمایش عروسکی در جهان به چه محدوده‌ی زمانی و جغرافیایی باز می‌گردد؟

قدیمی‌ترین نشانه‌های نمایش عروسکی را در هندوستان یافته‌اند که از نظر تاریخی قدمت آن به صدها سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد، عده‌ای از مورخین تاریخ پیدایش نمایش عروسکی در هند را ۲۰۰۰ سال قبل میلاد ذکر کرده‌اند.

اولین واکنش‌ها در برابر شکل‌گیری این هنر چگونه بود؟

شاید شگفتی و جاذبه عروسک را باید هم‌زاد انسان نامید در نمایش‌های باستانی هند عروسک‌ها شکل‌های تمثیلی از خدایان و بیان‌کننده افسانه‌ها بودند، افسانه‌هایی که که عروسک‌ها تجسم دهنده آنها بودند مثل رامایانا *Ramayana* و ماها بهاراتا *maha baharata* و رانگاتان *ranganatan*

مخاطب آن زمان چگونه با این نمایش ارتباط برقرار می‌کرد؟

مخاطب در مراسم آیینی-مذهبی به عنوان نیایش و با هدف آموزش به تماشای نمایش عروسکی می‌نشست.

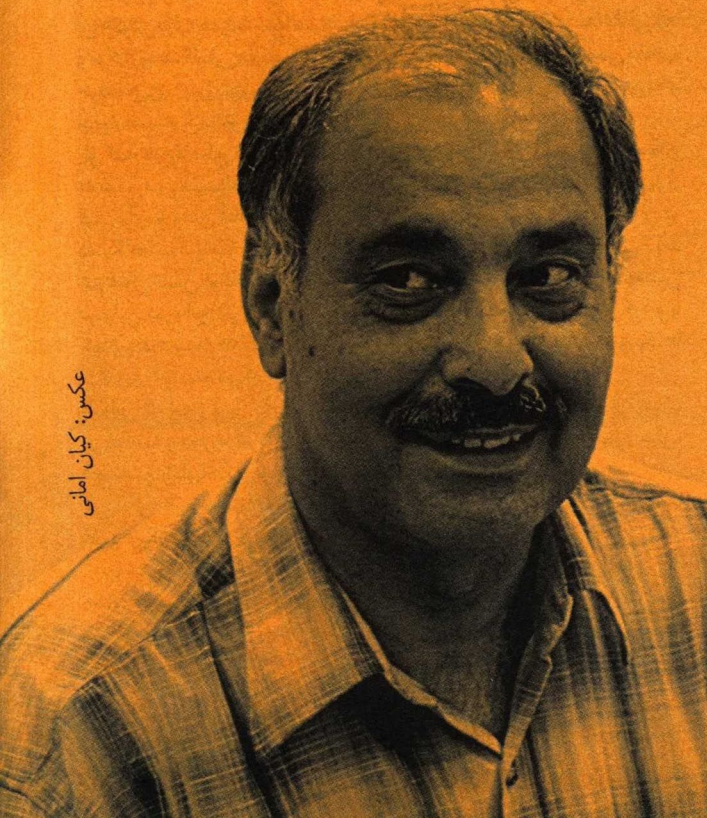
اولین تماشاخانه‌ی عروسکی در جهان در کجا و توسط چه کسانی بنا شد؟

یکی از افسانه‌های هند اشاره به این نکته می‌کند که برهما *Brahma* اولین تماشاخانه عروسکی را بنا نهاد و در آن جا نمایش‌هایی بر مبنای کتاب مقدس ریگ ودا *Rig-veda* به اجرا درآمد.

آیا می‌توان آنان را بدعت گذاران نمایش عروسکی در جهان قلمداد کرد؟

امروزه تردیدی نیست که منشا تمام شکل‌های نمایش عروسکی به قاره آسیا می‌رسد و پرسوناژ هندی ویدوشاکا *Vidouchaka* بزرگ جد عروسک‌هایی مثل پهلوان کچل ایرانی، که و *kvo* چینی، قره‌گوز *karaguemy* ترک و بولچینلا *pulcinella* ایتالیایی، و پانچ *punch* انگلیسی است.

عکس: کیان امانی



در مرکز تئاتر کانون را به روی هنرمندان گشوده‌ایم

کانون

پرورش فکری کودکان و نوجوانان از مراکز پیشرو

تئاتر عروسکی در گذشته و حال است این مرکز در برگزاری جشنواره

پانزدهم نیز نقشی به سزا داشته است.

به همین مناسبت گفت‌وگویی انجام دادیم با مرتضی حیدری مدیر مرکز تئاتر کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان

آقای حیدری! این روزها در مرکز تئاتر کانون پرورش فکری چه می‌گذرد؟

به محض ورود بنده به مرکز تئاتر کانون با مشورت اساتید و پیشکسوتان، اقدام به پی‌ریزی طرح جامع تئاتر کودکان و نوجوانان کردیم که براساس آن مسائلی چون سیر تحول تئاتر کودک و نوجوان و تبیین ضرورت پرداخت به تئاتر، توصیف وضعیت موجود و چالش‌های پیش روی، تعیین اولویت‌ها و تنظیم برنامه براساس آن اولویت‌ها و ... بررسی می‌شود. در کنار این مسائل، چارت تشکیلاتی و شرح وظایف مرکز تئاتر کانون با استفاده از نظرات کارشناسان مجرب، به‌سامان می‌شود به‌گونه‌ای که ساختار اداری مرکز تئاتر کانون، متحول خواهد شد. علاوه بر این‌ها فعالیت‌هایی در جهت اصلاحات ساختمانی هم در حال انجام است.

گویا به زودی شاهد برگزاری جشنواره تئاتر کتاب‌خانه‌ای مراکز استان‌های کانون خواهیم بود...

امسال دهمین جشنواره تئاتر کتاب‌خانه‌ای مراکز کانون تقریباً هم‌زمان با جشنواره تئاتر عروسکی برگزار می‌شود. اعضای برجسته کتاب‌خانه‌ها توسط مربیان انتخاب می‌شوند و جشنواره در سطح استان، منطقه و کشور برگزار خواهد شد. البته در برگزاری این جشنواره هم تغییراتی ایجاد شده به‌گونه‌ای که قبلاً کارشناسان ما تنها وظیفه داوری داشتند اما از سال آینده، مرکز تئاتر کانون، میزبان جشنواره خواهد بود و با توافقاتی که با حضور معاونت فرهنگی انجام شده، مرکز تئاتر کانون از سال آینده به شکل تخصصی‌تری در این جشنواره‌ها حضور خواهد داشت. نظارت و ارزیابی و حمایت از کارها به‌طور مستقیم به عهده مرکز تئاتر کانون گذاشته می‌شود.

در مورد برنامه‌های تولیدی چطور؟ آیا برنامه‌های خاصی دارید؟

یکی از مسائل آزردهنده، شیوهی بررسی آثار در کانون بود. طبق توافقی که با هیأت مدیره کانون انجام شد، مقرر شد تغییراتی در این زمینه انجام شود. هم‌اکنون اعضای شورای انتخاب، سرگرم بررسی آثار هستند. از جمله روش‌های جدید ما این است که اگر کاری رد شود، دلایل رد شدن به نویسندگان اعلام می‌شود. از آن‌جا که نویسندگان به‌نامی در زمینه آثار کودکان و نوجوانان نداریم، خود را ملزم کرده‌ایم به تمام کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، کمک کنیم.

این تغییرات شامل تعرفه‌های کانون هم می‌شود؟

البته. از جمله مواردی که به آن ابراد گرفته می‌شود، همین تعرفه‌ها بود که عنوان می‌شد دستمزدها بسیار پایین است. هر چند دستمزدها بالا رفته، ما منتظر قراردادهای تپ خانه‌ی تئاتر و اداره کل هنرهای نمایشی هستیم.

گویا امسال کانون همکاری گسترده‌تری با جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی دارد. لطفاً در مورد این همکاری توضیح دهید. تغییراتی که در برگزاری جشنواره ایجاد شده مورد استقبال کانون قرار گرفت. کانون از شیوه سیاستگذاری شورایی حمایت کرد. ما در جلسات شورا شرکت کردیم و بخشی از تعهدات را پذیرفتیم. از جمله فراهم کردن زمینه تمرین ۱۵ گروه نمایشی که تمام امکانات کانون را در اختیار آنها قرار دادیم و از آن میان چند گروه هم به جشنواره راه یافتند. قرار شد در طول برگزاری جشنواره، ۴ نمایش در سالن‌های کانون اجرا شوند. در کنار اجرای این نمایش‌ها، نمایشگاهی از قدیمی‌ترین عروسک‌های کانون برگزار می‌شود. ضمن اینکه کارت‌بستال‌های عروسک‌های کانون هم‌زمان با جشنواره، چاپ شده‌اند.

این امکان برای گروه‌های شرکت‌کننده وجود دارد که در سالن‌های مرکز تئاتر کانون، اجرای عمومی بگیرند؟

از جمله برنامه‌های طرح جامع ما، ایجاد زمینه برای پذیرش کارهایی است که در تالارهای دیگر امکان اجرا ندارند. به همین دلیل اعضای شورا و هیأت مدیره کانون، کارهای جشنواره را خواهند دید و کارهایی را که مناسب با سالن‌های ما است انتخاب می‌کنند و در صورت امکان با این گروه‌ها قرارداد بسته می‌شود تا نمایش‌های خود را در کانون اجرا کنند. به شرط آن که نمایش‌ها برای گروه سنی کودک و نوجوان، مناسب باشند.

آیا گروه‌های عروسکی می‌توانند در ایامی به‌جز برگزاری جشنواره، از کارگاه ساخت عروسک کانون استفاده کنند؟

در حال حاضر آیین‌نامه استفاده از کارگاه عروسکی را برای تمام گروه‌ها تدوین می‌کنیم. حضور گروه‌های شرکت‌کننده در جشنواره، فرصت بسیار خوبی بود تا این گروه‌ها بتوانند از امکانات کارگاه و نیز نظرات کارشناسان مختلف آن بهره‌مند شوند. قصد داریم این تجربه در طول سال هم ادامه داشته باشد. به تعبیری در مرکز تئاتر کانون را به روی تمام هنرمندان تئاتر عروسکی و کودک گشوده‌ایم.

گفت و گو با مرتضی حیدری
مدیر مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

ایا این در قرار است به روی هنرمندان حرفه‌ای که کار خود را با کانون شروع کرده‌اند، باز شود؟

ما همواره در خدمت این هنرمندان بوده و هستیم. حتی زمانی به این فکر افتادیم که این مرکز را تغییر دهیم و به مکان دیگری نقل مکان کنیم. اما به‌خاطر حفظ خاطرات آن هنرمندان، تعمیر را جایگزین تغییر کردیم تا این مرکز به‌عنوان بخشی از تئاتر کودک و نوجوان همچنان حفظ شود.

دعوتی هم از این هنرمندان صورت گرفته تا در این‌جا کار کنند؟

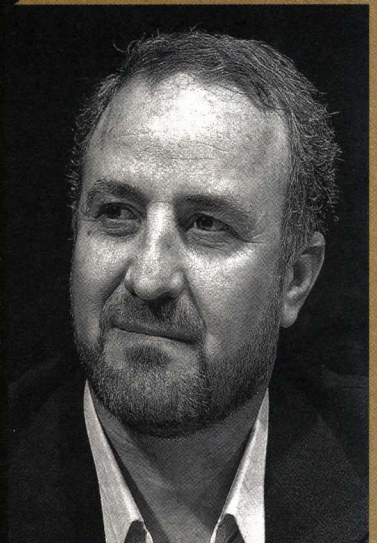
برنامه‌هایی در دست داریم اما نمی‌توانیم به‌طور خاص از یکی دو هنرمند دعوت کنیم. دعوت ما جنبه عام دارد. متأسفانه بسیاری از هنرمندان حرفه‌ای از حوزه فعالیت برای کودکان و نوجوانان کنار کشیده‌اند. ما به‌دنبال آن هستیم تا با اجرای برنامه‌های منطقی، این هنرمندان را به این حوزه بازگردانیم. به‌عنوان مثال فراخوان نمایشنامه به مناسبت سال پیامبر اعظم را منتشر کردیم و امیدواریم هر هنرمند پیشکسوتی که می‌تواند متناسب با این موضوع و نیز متناسب با گروه سنی کودک و نوجوان نمایشنامه‌ای بنویسد، با ما همکاری کند.

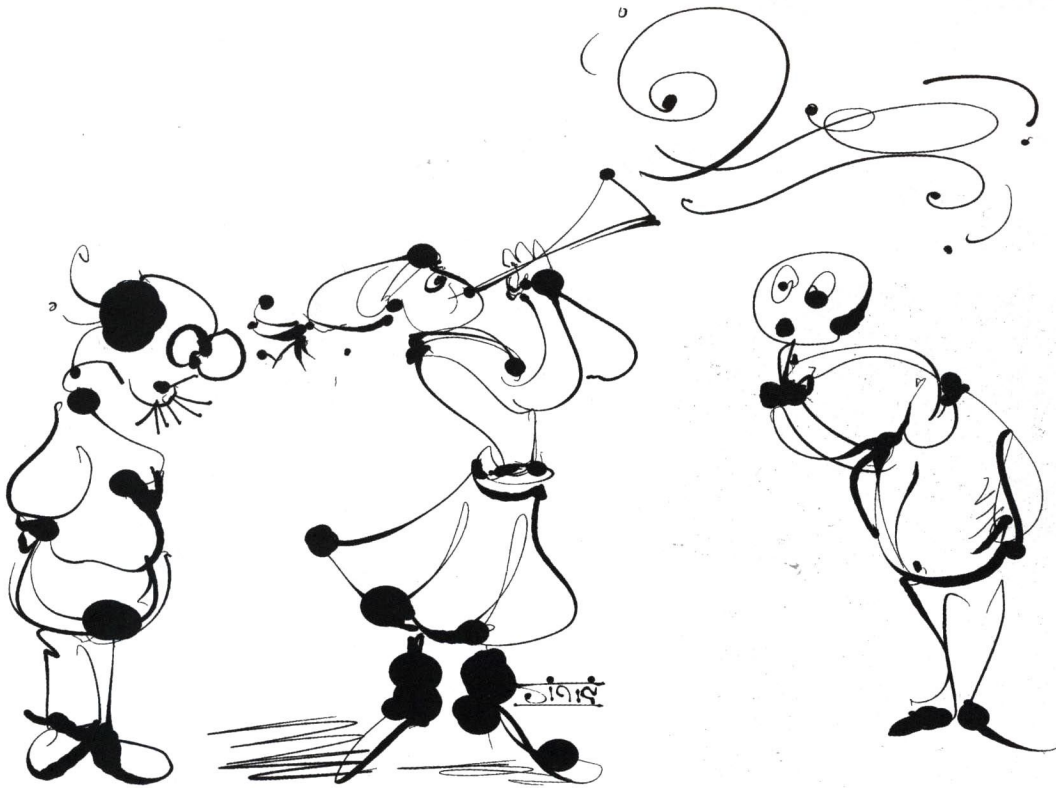
در مورد دانشجویان چطور؟ در کانون به روی آنها هم باز شده؟

یکی دیگر از موارد مطرح شده در طرح جامع ما حمایت از استعدادهای جوان اعم از دانشجو و غیر دانشجو است و در حال حاضر نیز ۲ گروه دانشجویی نمایش‌های خود را در سالن ما اجرا می‌کنند که خوشبختانه نمایش‌های آنها برای شرکت در جشنواره هم پذیرفته شده و اجرا خواهد شد.



شماره روزانه پانزدهمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - سالک





آیین‌ها را برای نسل جوان حفظ کنیم.»
این نمایش قبلا در شهرهای گوناگون مازندران اجرا شده و مورد استقبال مردم قرار گرفته است. فلاح می‌گوید: «شبهه اجرای این آیین‌ها در شهرهای مختلف، متفاوت است و در تجربه‌ای که داشتیم توانستیم هر یک از آیین‌ها را کامل‌تر کنیم. بومی‌های شهرهای گوناگون و قدیمی‌های آنها خیلی به ما کمک کردند.»

نمایش با استفاده از عناصر خیمه شب بازی اجرا می‌شود. بازیگران در مقابل تماشاگران از صندوق بیرون می‌آیند و در کنار بازیگران، عروسک‌های گول پیکری هم حضور دارند که با نخ‌هایی حرکت داده می‌شوند. کارگردان تلاش کرده عناصر زیبایی شناسی گوناگونی را در اجرای خود رعایت کند.

نمایش حاصل همکاری گروهی است که به طور خودجوش و بدون استفاده از هر گونه کمک، فعالیت‌های خود را انجام داده‌اند و حال امیدوارند با تکیه بر پتانسیل این نمایش‌ها در استفاده کردن از کمک‌های مردمی، کار خود را ادامه دهند.

«کیسه جادو» را برای بچه‌ها ساخته است. هر چند بسیاری از هنرمندان تئاتر عروسکی شیوه اجرای این نمایش را برای کارهای ویژه بزرگسالان ترجیح می‌دهند.

مهدی اسماعیلی، کارگردان نمایش «کیسه جادو» عروسک‌های این نمایش را با استفاده از دست و بدن خود می‌سازد. شیوه‌ای که سال‌ها پیش آن را برای اجرای نمایش در بیمارستان کودکان سرطانی و معلول استفاده کرده است. خودش می‌گوید: «نتایج خیلی خوبی از اجرای آن نمایش‌ها گرفتم. واکنش کودکان به این تکنیک، فوق‌العاده بود به همین دلیل تصمیم گرفتم برای معرفی این شیوه، به دنبال پیدا کردن قالب مناسبی برای کودکان باشم و نهایتاً به طرح «کیسه جادو» دست پیدا کردم که عروسک‌های دستی من از داخل این کیسه خارج می‌شوند.»

اسماعیلی معتقد است عروسک‌های دستی امکانات فوق‌العاده‌ای دارند و با مشکل حمل و نقل هم روبرو نمی‌شوند بلکه هر وقت که مخاطب اراده کند، عروسک شکل می‌گیرد و تغییر پیدا می‌کند به همین دلیل هم تصمیم دارد نتایج این تجربیات را در یک کتاب آموزشی برای مربیان مهدکودک‌ها، منتشر کند. که چاپ آن در کتابی با عنوان «یک دست، هزار عروسک جادویی» در حدود ۱۰

از دور که می‌آیید حضورشان را متوجه می‌شوید. حضوری که آمیخته به رنگهای متفاوت و موسیقی بلند است و همین دو عنصر است که کنجکاوای رهگذران را برمی‌انگیزد و ظرف مدت کوتاهی جمعیت بسیاری را دور گروه جمع می‌کند. جمعیتی که گاه تعداد آنها از جمعیت تماشاگران داخل سالن بیشتر است. چرا که مهم‌ترین شاخصه یک نمایش خیابانی موفق، جذب مخاطب رهگذری است. جشنواره‌ها سال هم شاهد حضور ۷ گروه نمایش خیابانی است که از ابتدا تا انتهای جشنواره، نمایش‌های خود را در مکان‌های متفاوتی اجرا می‌کنند.

مردی که بیمار شده، برای تشخیص بیماری‌اش، آزمایش می‌دهد و متوجه می‌شود بیماری‌اش نیک عروسکی است... این خلاصه‌ای است از داستان نمایش «خواننده ابر». علی رضاناصحی، کارگردان این نمایش در کنار همایون فرهود، نمایش را اجرا می‌کند. ناصحی که این نمایش را به شبهه ماروت اجرا می‌کند، توضیح می‌دهد: «در این شیوه، عروسک‌ها با قسمتی از بدن انسان ساخته می‌شوند. سر عروسک این نمایش با استفاده از زانو، دست و بدن ما در مقابل چشم تماشاگران ساخته می‌شود.»

شبهه ماروت در ایران چندان شناخته شده نیست. به همین دلیل اجرای این نمایش همان طور که ناصحی می‌گوید، جنبه آموزشی هم دارد تا مردم با این شیوه اجرایی آشنا شوند. او البته در اجرای این نمایش از پانتومیم هم استفاده می‌کند تا مخاطبان بهتر با کار ارتباط برقرار کنند.

ناصحی، قصه را به گونه‌ای طراحی کرده که مخاطب از هر جا به نمایش برسد بتواند با آن ارتباط برقرار کند. علاوه بر این او تلاش کرده نمایش هرچه جذاب‌تر باشد تا از این راه مخاطبان گذری بیشتری را جذب کند.

زن و مرد دوشادوش یکدیگر کار می‌کنند. دانه‌ها را در زمین می‌کارند و آبیاری می‌کنند. شبادی رویدیدن دانه‌ها با مراسم ازدواج آن دو درهم می‌آمیزد و... «لطفا پنهان نشوید» کاری است نمادین و آداب و رسوم گوناگون زندگی مردم مازندران را به تصویر می‌کشد. رجبعلی فلاح، کارگردان نمایش می‌گوید: «آرزوی ما حفظ این آداب و رسوم است و تلاش می‌کنیم با اجرای پیاپی این نمایش‌ها، این





سال به طول می‌انجامد.

با وجود اینکه نمایش «رقص چوب» از شهر گنبد کاووس در جشنواره شرکت کرده است اما به واسطه قومیت کارگردان آن، یکی از رسوم قدیمی و بومی مردمان سیستان و بلوچستان را به تصویر کشیده است.

مهدی آبشناس، یکی از دو کارگردان نمایش محلی «رقص چوب» که خود اهل سیستان و بلوچستان است، درباره نمایش می‌گوید: «دعا برای ریزش باران، از قدیمی ترین رسوم مردم سیستان و بلوچستان است، سرزمینی که مردمان آن از دیرباز با مشکل کمبود آب روبرو بوده‌اند و در این نمایش هم تلاش کردیم تا این رسم قدیمی را به تصویر بکشیم.»

ریزش باران البته میان دو قوم بلوچ و زابل اختلاف می‌اندازد، اختلافی که با حضور ریش سفید به پایان می‌رسد: «ریش سفید در فرهنگ اهالی زاهدان اعتبار خاصی دارد به همین دلیل از این موضوعات استفاده کردم و با بستر یک عروسی که میهمانان آن با هم اختلاف پیدا می‌کنند، نمایش را طراحی کردم.»

مهدی آبشناس برای اجرای این نمایش از شیوه بونراکو استفاده کرده است. شیوه‌ای که مناسب‌ترین شیوه برای اجرای این نمایش توسط یک گروه محدود است.

مبارک همیشه در داستان‌های خیمه‌شب‌بازی از این موضوع حرف می‌زند که اگر ازدواج کند به خاطر سیاهی صورتش، بچه‌اش «گل باقالی» می‌شود...

بهناز مهدیخواه، از این موضوع استفاده می‌کند و شخصیت گل باقالی را هم به نمایش خیمه‌شب‌بازی خود اضافه می‌کند.

«نه دیگه این واسه ما درس نمی‌شه» به طراحی و کارگردانی بهناز مهدیخواه دو سالی است که در بخش خیابانی جشنواره‌ها و مراسم‌های مختلف، اجرا می‌شود و مبارک سنتی ایران را در خیمه قدیمی مرشد به کودکان معرفی و با آنها ارتباط برقرار می‌کند. البته کودکان در این اجرا، علاوه بر مبارک، با گل باقالی هم آشنا می‌شوند.

او با یادآوری تجربه‌های متفاوت اجرای این نمایش در پارک‌ها، فرهنگسراها و سالن‌های متعدد می‌گوید: «در این سال‌ها تجربه‌های

متفاوت و عجیبی داشتیم و متوجه شدم برقراری ارتباط با مخاطبان یک نمایش خیابانی خیلی سخت‌تر از مخاطبان یک کار صحنه‌ای است. چون نمایش خیابانی باید آن قدر جذاب باشد که به راحتی بتواند تماشاگران گذری را جذب کند و از آن جا که این تماشاگران، قابل کنترل نیستند، کار هنرمند نمایش خیابانی دشوارتر می‌شود.

«لنگ درازها» عروس و داماد جوانی هستند که پیشینه مراسم‌های عروسی و رسم و رسومات شهر همدان را با عروسک نشان می‌دهند.

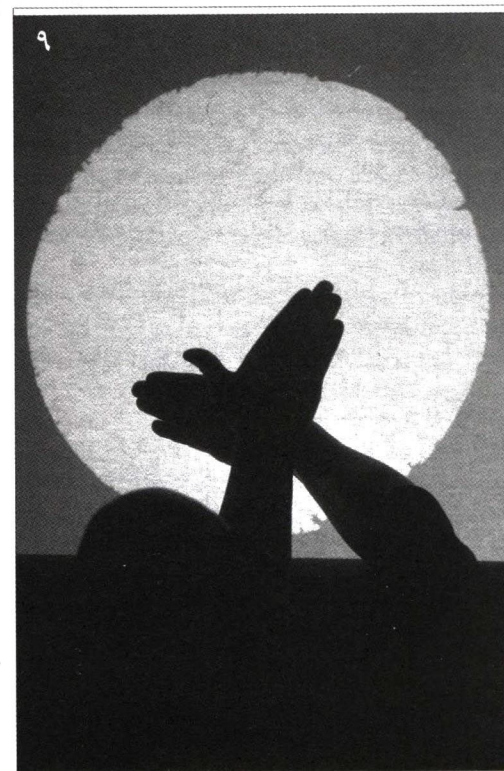
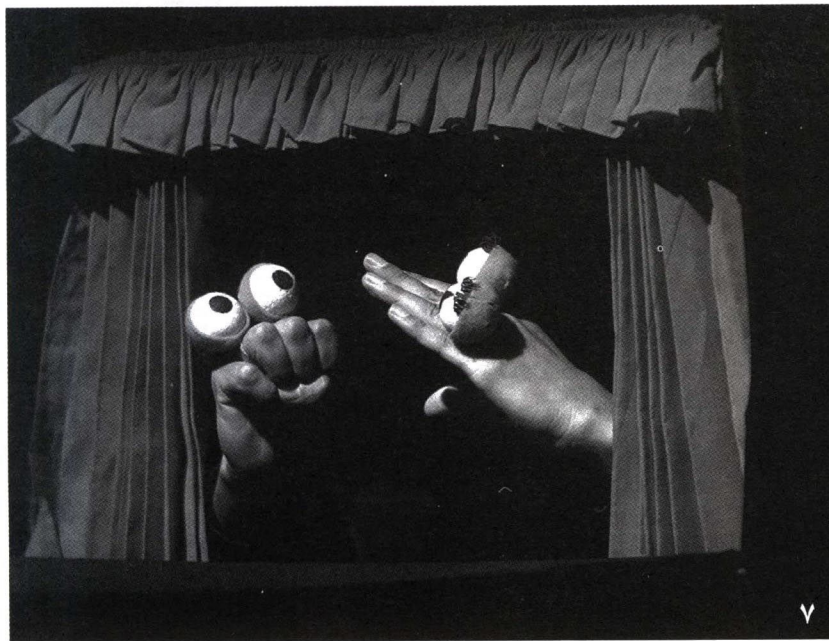
محسن پورقاسمی که کارگردانی نمایش «لنگ‌درازها» را برعهده دارد، می‌گوید: «قبل از هر چیز دوست داشتیم در جشنواره عروسکی، مراسم بومی - محلی همدان را به صورت عروسکی کار کنیم و بهترین انتخاب، اجرای یک مراسم عروسی به شیوه نیاکانم بود و چون همدان، اقلیم‌های مختلفی دارد، نمایش را با ترکیبی از این اقلیم‌ها کار کردم.»

او برای رسیدن به این مراسم، قصه‌ای را طراحی کرده که دو شخصیت اصلی آن، عروس و داماد بلند قدی هستند که «لنگ‌درازها» نام گرفته‌اند. تخصص اصلی پورقاسمی در اجرای نمایش‌های عروسکی خیابانی است و به همین دلیل معتقد است بهترین شیوه اجرای این نمایش «سیاه» یا «بونراکو» است که البته در این اجرا با عروسک‌های بزرگ و میله‌ای ترکیب شده است.

عروسک خود باید صاحب خود را انتخاب کند، خراطی که عروسک را ساخته و خیاطی که لباس آن را دوخته هر دو عاشق عروسک می‌شوند و دعویابی میان آن دو شکل می‌گیرد. مرد سومی وارد ماجرا می‌شود که عروسک را وادار به سخن گفتن می‌کند و...

داستان نمایش «این عروسک مال کیه» که توسط ایرج کله‌چاهی کارگردانی می‌شود، برگرفته از یک قصه فولکلور ایرانی است که با حضور عروسک «مبارک» اجرا می‌شود.

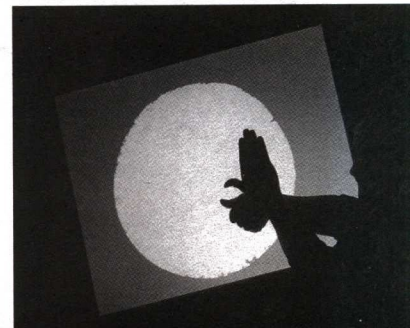
کله‌چاهی تصمیم دارد نه تنها درباره داستان که درباره شیوه اجرایی هم کاملاً ایرانی عمل کند: «چون محوریت جشنواره با داستان‌های ایرانی است، در مورد شیوه اجرایی هم همین موضوع را لحاظ کردیم به همین دلیل نمایش ما با حضور «مبارک» اجرا می‌شود؛ عروسکی نخی که به نمایش عروسکی ما هویت می‌دهد.»





۱- قصه آفریقایی
 ۲- اسب آبتوس
 ۳- خیابانی
 ۴- سازشب

۵- شازده کوچولو
 ۶- انیمالیا
 ۷- پهلوان پنبه
 ۸- نمایش سایه
 ۹ تا ۱۲



همچنان وفادار به کودکان

افسانه زمانی از جمله هنرمندان رشته عروسکی است که همیشه وفاداری خود را به تئاتر عروسکی ویژه کودکان نشان داده است. او امسال با نمایش «وقتی نخودی غول می‌سود» در جشنواره تئاتر عروسکی شرکت می‌کند. نمایشی که متن آن نگاهی نو دارد به قصه نخودی منتهای زمانی کاملاً به داستان وفادار نیست و نمایش را به شیوه خود اجرا می‌کند.

طرح اولیه را از آناه سهرابی می‌نویسد اما بعدها به دلیل مشکلاتی که در اجرا پدید می‌آید، بهروز غریب‌پور، نوشتن نمایشنامه را برعهده می‌گیرد و هر چند متن جدید نسبت به طرح قدیمی، تغییرات اساسی ندارد اما چیزهایی به آن اضافه شده که کار اجرا را آسان‌تر می‌کند.

زمانی که تکنیک «سیاه» یا «بونراکو» را برای اجرای نمایش خود انتخاب کرده است، در این مورد می‌گوید: «نمایش ما این شیوه اجرایی را می‌طلبید بنابراین قرار شد عروسک‌های ما ۵۵ سانتی متری باشند و روی میز کار کنند و چون عروسک‌هایمان بزرگ نیستند، تالارهایی مانند «سایه» یا «قشقای» مناسب اجرای ما است. این نمایش ۵ عروسک اصلی دارد که همراه با اشیایی که در صحنه بازی می‌کنند، کل کاراکترهای داستان را به تصویر می‌کشند. زمانی درباره گرایش بسیاری از هنرمندان رشته

عروسکی به شیوه اجرایی بونراکو (سیاه) می‌گوید: «من از دلایل دیگر دوستان بی‌خبرم اما متن من به گونه‌ای است که عروسک باید آناتومی کامل داشته باشد. به هر حال این شیوه اجرایی در ایران سابقه دارتر است و اصولاً شیوه‌ای شرقی است که هنرمندان ما به آن مسلط تر هستند.»

این هنرمند تئاتر عروسکی درباره تمایلیش به اجرای نمایش عروسکی ویژه کودکان و نوجوانان می‌گوید: «همیشه دوست داشتم نمایش عروسکی ویژه کودکان اجرا کنم چون معتقدم مخاطب کودک، بزرگسال را هم همراه خود می‌آورد و با این روش، نسلی را آماده می‌کنیم که در آینده به دیدن کارهای عروسکی ویژه بزرگسالان می‌روند.»

او اما از موضوعی ناراحت است که بسیاری از هنرمندان تئاتر عروسکی کودکان نسبت به آن هشدار می‌دهند و آن پایین آمدن سطح کیفی این نوع از آثار است: «این مساله باعث می‌شود که سلیقه تماشاگر هم دچار افت شود به طوری که حتی اگر تمام اصول کارهای کودک را رعایت کرده باشم اما از معیارهای رایج موجود، چیزی در کار ما نباشد به عنوان یک کار عروسکی ویژه کودکان پذیرفته نمی‌شود و حل این مشکل نیازمند زمان است و البته بازنگری در سیاست‌گذاری‌های تولید آثار کودکان و نوجوان را هم نباید فراموش کرد.»

زمانی که تکنیک «سیاه» یا «بونراکو» را برای اجرای نمایش خود انتخاب کرده است، در این مورد می‌گوید: «نمایش ما این شیوه اجرایی را می‌طلبید بنابراین قرار شد عروسک‌های ما ۵۵ سانتی متری باشند و روی میز کار کنند و چون عروسک‌هایمان بزرگ نیستند، تالارهایی مانند «سایه» یا «قشقای» مناسب اجرای ما است. این نمایش ۵ عروسک اصلی دارد که همراه با اشیایی که در صحنه بازی می‌کنند، کل کاراکترهای داستان را به تصویر می‌کشند. زمانی درباره گرایش بسیاری از هنرمندان رشته



مرگی برای جاودانه شدن

گفت و گو با لاریسا مانگاساروا کارگردان نمایش «شازده کوچولو»

کمک می‌کند. به تعبیر من «شازده کوچولو» کودکی و آرزوهای دست نیافتنی آن پادشاه هم هست، پس مشخصاً یک باز بگر نمی‌تواند به جان بخشی آن کمک کند و عروسک می‌تواند پیام فلسفی داستان را بهتر به تماشاگر انتقال دهد. به نظر می‌آید عروسک‌های مناسبی برای این اجرا، طراحی و ساخته شده باشند؟

ما این عروسک‌ها را براساس صحنه‌های نمایشی در کشور خودمان ساخته‌ایم و برای یک سالن بزرگی مثل سالن اصلی تئاتر شهر عروسکمان را طراحی نکرده‌ایم. به هر حال برای اینکه بتوانیم فضای اجرای این نمایشگاه در این سالن بزرگ محدود کنیم سعی کردیم با پارچه دهنه‌ی صحنه‌ی سالن اصلی را ببندیم. عروسک‌های ما از مواد پلاستیکی و پارچه ساخته شده‌اند و در خدمت اجرا هستند.

برای چندمین بار در ایران حضور پیدا می‌کنید و از چه طریقی به جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران دعوت شدید؟

این سومین حضور من در ایران است، ما از طریق مرکز هنرهای نمایشی به ایران دعوت شدیم. فیلم کارمان را از طریق آندرانیک خجومیان برایشان ارسال کردیم و این به انتخاب این اثر در جشنواره منجر شد.

«شازده کوچولو» با تمام محبوبیتی که در ادبیات و تئاتر برای مخاطبانش دارد، اما بسیار قصه‌ی تلخی را در ذهن اشخاص به جای می‌گذارد؟

این نمایشنامه همیشه تلخ جلوه می‌کند، همه شخصیت‌های قصه‌ی «شازده کوچولو» از کنار دیده‌گان شما عبور می‌کنند شخصیت‌هایی مثل خلبان، ریاضی دان، منجم، روباه، مار و حتی گل سرخ که به زندگی خود ادامه می‌دهند، اما در نهایت این «شازده کوچولو» است که می‌میرد. اما مرگ او لحظه تولدش در دل میلیون‌ها انسان است، مرگی که او را تا ابد جاودانه می‌سازد.

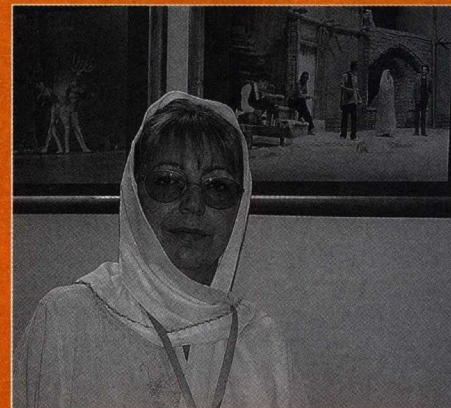
نمایش شازده کوچولو بازخوانی والخوسکی به کارگردانی لاریسا مانگاساروا در یازدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک به اجرا درآمد. این نمایش که یادآور ساختار ارزشمند «انتوان دوستانت آگروپری» است همیشه و در همه جا و در هر زبان فرهنگی یکی از آثار پر مخاطب و به یادماندنی است. گفت و گوی زیر دقیقاً پس از پایان اجرای نمایش در سالن اصلی مجموعه‌ی تئاتر شهر با کارگردان این اثر انجام شده است.

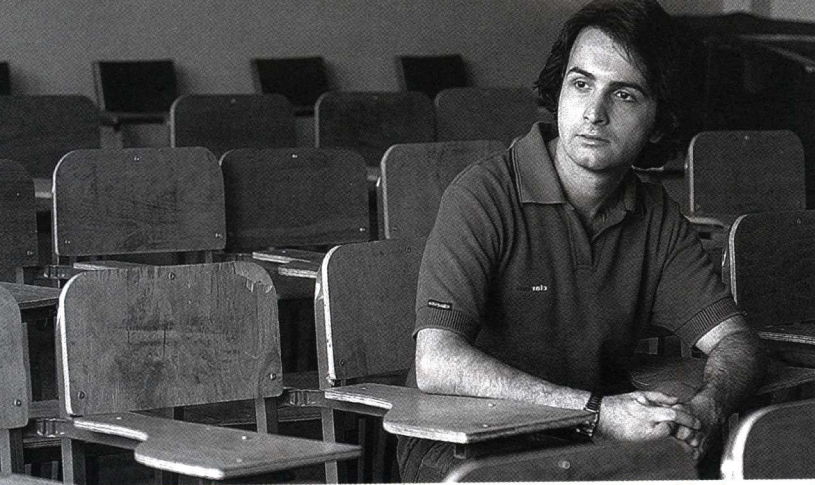
آیا این اجرا بازخوانی خود شماست و یا شخص دیگری؟

این نمایش بازخوانی والخوسکی است، ایشان نمایش را از متن اصلی داستان آگروپری به نمایشنامه تبدیل کرده است، و سال‌ها قبل شخصی به نام جلابینسکی این بازخوانی را در ارمنستان روی صحنه برده است. من هم این ورسون را از ایشان گرفتم و اجرا کردم.

این نمایش می‌توانست یک نمایش مستقل صحنه‌ای باشد. آیا الزامی برای اجرای عروسکی این نمایش وجود داشت؟

این نمایش بدون عروسک هم به اجرا در آمده است، اما چون گروه ما یک گروه تئاتر عروسکی است آن را با این سبک و سیاق به اجرا در آورده‌ام. ما یک گروه تئاتر عروسکی هستیم و احساس من بر این بود که این نمایشنامه می‌تواند رابطه خوبی میان بازیگر و عروسک ایجاد کند به شکل تئاتر عروسکی و زنده آن را اجرا کردم. به اعتقاد من عروسک‌ها می‌توانند روایات درونی آدم‌ها را بروز دهد و چون «شازده کوچولو» از یک سیاره دیگر به زمین آمده، استفاده از عروسک به روند اجرایی اثر





گفت‌وگو با وحید شاکری، کارگردان نمایش «سند باد بحری»

سفرهای دریایی سندباد با عروسک‌های رومیزی

...قحطی و مرگ و میر می‌شود و سلمان بطری‌های حاوی طومار را که شرح سفرنامه‌ای را در خود دارد از آب پیدا می‌کند و به همراهی گروهی عازم سفری برای پیدا کردن سنگ گوهران می‌شوند، در حالی که هنوز بطری آخر را نیافته‌اند، اما سفر آنها در «وقت فریای خروشان»، پیمودن «صخره آرزوها» و «تنگه آژدها» ادامه پیدا می‌کند.

«سندباد بحری» که اقتباسی آزاد از داستان «سندباد» از مجموعه داستانهای هزار و یک شب است، امسال با حضور گروهی دانشجویی به کارگردانی وحید شاکری میهمان یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک شده‌است. گروهی که سال گذشته با نمایش «اپرای خورشید» و امسال با نمایش «سندباد بحری» در هشتمین و نهمین جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویان درخشیدند و جوایز متعددی را نصیب خود کردند، به همین بهانه گپ کوتاهی با وحید شاکری کارگردان جوان این نمایش زده‌ام.

«سندباد» پیش از این در جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویان که قطعاً با مؤلفه‌های دانشجویی تناسب داشته، اجرا شد و این بار به جشنواره بین‌المللی راه یافته‌است که با مخاطب گسترده‌تری نسبت به جشنواره‌های دانشجویی روبه‌رو است. این تغییر جغرافیایی چه تأثیری در شکل اجرای این نمایش داشته‌است؟

- همواره فضای رقابتی جشنواره‌های دانشجویی به‌گونه‌ای است که کارها را با سلیقه داوران و با شگردهای جشنواره‌ای طراحی می‌کنند، و خواه ناخواه در حوزه دانشجویی به فضای عام و به‌خصوص کارهای کودک خیلی بها داده نمی‌شود، بیشتر نمایش‌ها مضامین روشنفکرانه، معنوی و مخصوص گروه سنی بزرگسالان دارند که به تبع گروه ما نیز به‌همین سمت و سو حرکت

کرده بود ولی با پذیرفته شدن نمایش در جشنواره یازدهم و بحث حضور مخاطبان عام، ناخودآگاه تغییرات اساسی در پایان نمایش دادیم و آن را از فضای ترازیک خارج کردیم تا مخاطبان را راضی‌تر از سالن برگردانیم و به اعتقاد گروه کار قوی‌تر شده و فکر می‌کنم که به‌راحتی حتی امکان ارتباط با مخاطب کودک را هم داشته‌باشد.

«تکنیک اجرایی نمایش «سندباد بحری» چیست؟

شیوه فعلی نمایش عروسک سیاه رومیزی است و از عروسک‌های ۷۰ سانتی‌متری استفاده شده است که در یک دکور که کشتی است پیاده و اجرا می‌شوند و عروسک‌ها حرکات منطقی را روی صحنه دارند و دارای مفاصلی هستند که حرکت آنها را به مانند انسان نشان می‌دهد. البته در ابتدا دوست داشتم از شیوه نخی استفاده کنم ولی به‌دلیل نیاز این تکنیک به مهارتهای خاص از آن صرف نظر کردم.

«حضور پر رنگ‌تر گروه‌های دانشجویی را در جشنواره یازدهم چطور ارزیابی می‌کنید؟

- شاید برای نخستین بار باشد که سیاستگذاری مسؤولان جشنواره به این سو توجه کرده‌است، که به نظر من خیلی خوشحال‌کننده است. هرچند که نظرات داوران و بازیبنهای جشنواره تئاتر عروسکی دانشجویی که در سمت شوریای سیاستگذاری حضور دارند هم در این انتخاب‌ها بی‌تأثیر نبوده است، در واقع آنها کارهای دانشجویی را قبلاً دیده‌بودند و به وجوه مثبت این کارها توجه کرده‌اند. از طرفی نباید فراموش کرد که بالاخره دانشجویان بعد از محیط دانشگاهی باید وارد عرصه تئاتر حرفه‌ای شوند و لذا نباید این شانس را در این جشنواره‌ها گرفت و باید جشنواره تهران - مبارک را به منزله پلی ارتباطی میان این دو فضا برقرار کرد.

گفت‌وگو با مریم معینی کارگردان نمایش «خواب دیدم پاره‌های ماه چون پر می‌بارد»

عروسک، نور، موسیقی، حرکت!

نمایشنامه «خواب دیدم...» را مریم معینی و طلا معتضدی به‌صورت مشترک براساس داستان «شاهزاده خوشبخت» اثر اسکار وایلد نوشته‌اند. نمایشی که به اعتقاد معینی در شکل اجرایی خود می‌تواند تفاوت‌های بسیاری با متن آن داشته باشد.

معینی در این تجربه، علاوه بر کارگردان، در مقام نویسنده هم حضور دارد و این نمایش را هم به مانند تجربه قبلی خود، به شیوه بونراکو و با تلفیقی از عروسک و بازیگران و با تمرکز بر دو عنصر نور و موسیقی و بدون کلام به صحنه می‌برد. معینی که انتخاب این نوع خاص از اجرا را تا حدودی وابسته به سلیقه شخصی

و در بخشی هم وابسته به انتقال مفاهیم مورد نظر خود می‌داند، می‌گوید: «ایده اصلی که از مدت‌ها قبل در ذهنم بود و دوست داشتم آن را به نوعی اجرا کنم، داستان آدمی بود که از همه چیزش می‌گذرد و همه چیز را می‌بخشد، بدون اینکه ناراحت باشد. بعدها خط اصلی این ایده را در داستان شاهزاده خوشبخت دیدم و شروع به تفسیر آن کردم ولی آن چیزی که همیشه در اجرای این کار برایم اهمیت دارد، انتقال فضا و حس مورد نظر به تماشاگر است. و فکر می‌کردم که این حس و فضا در یک نمایش بدون کلام و با تکیه بر موسیقی و نور بهتر منتقل می‌شود.» «خواب دیدم پاره‌های ماه چون پر می‌بارد»

نمایش تجربی است که در چهار تابلو شکل می‌گیرد و داستان نمایش نسبت به فضای کلی کار اهمیت کمتری دارد.

معینی در این باره، می‌گوید: «این کار حرف و حس خاصی دارد که زبان خاصی را هم می‌طلبد که هنوز برایم ناشناخته است و نمی‌دانم به کجا می‌رسد، به همین دلیل هم از روز نخست که تمرینات کار را شروع می‌کردیم، عروسک‌ها، میزانشن نمایش، دکور، موسیقی و... مدام در حال تغییر از یک شکل به شکل دیگر بودند و این تغییرات و تکمیل شدن‌ها جزو جذابیت‌های خاص این کار بود و هنوز هم معلوم نیست که به کجا منتهی می‌شود.»



یادداشتی بر نمایش
«پانتارای II» نوشته و کاری
از شارلوت پویک یولن

حکایت عجیب و غریب فرسودگی موجوداتی که برای بقایشان دست و پای می‌زنند

مهدی عزیزی

پذیرفت عروسک‌های این نمایش که در ابعاد بزرگ، متوسط و کوچک ساخته شده‌اند. بدعتی در طراحی عروسک‌های نمایشی به حساب می‌آیند. این عروسک‌ها که اغلب غیرتالیستی هستند با چهره‌هایی غیر قابل باور شان در بستر همین پیام و رویکرد دیالکتیک نمایش غیر روایی پانتارای دوم قرار می‌گیرند و به عبارتی در تکامل خواسته و روحیه پرخاشگری‌اش گلاویز شدن بشریت و عالم حیات را با مرگ به شکل کاملاً قابل درک و پر اهمیت به تصویر می‌کشد عروسک‌های نمایش همسو با فهم مخاطبانش طراحی و پرداخته شده حتی در شرایطی می‌توان بی هیچ تلاشی درک کرد که این خواسته‌ی معقول نمایشگر از تماشاگر بقدری واضح و آشکار است که مخاطبش را به خندیدن وامی‌دارد. در واقع این نقطه عطفی در ایجاد رابطه‌ای بی نظیر و کشتی جادو گرانه میان تماشاگران و عروسک‌های نمایشی می‌شوند. در حالی که نمایش‌های بی کلام در سرزمین ما اغلب با اقبال عمومی مواجهه نمی‌شوند. اما خالق این نمایش در به‌کارگیری ابزار نمایش خود شرح و بست دادن و ردیف کردن موقعیت‌های

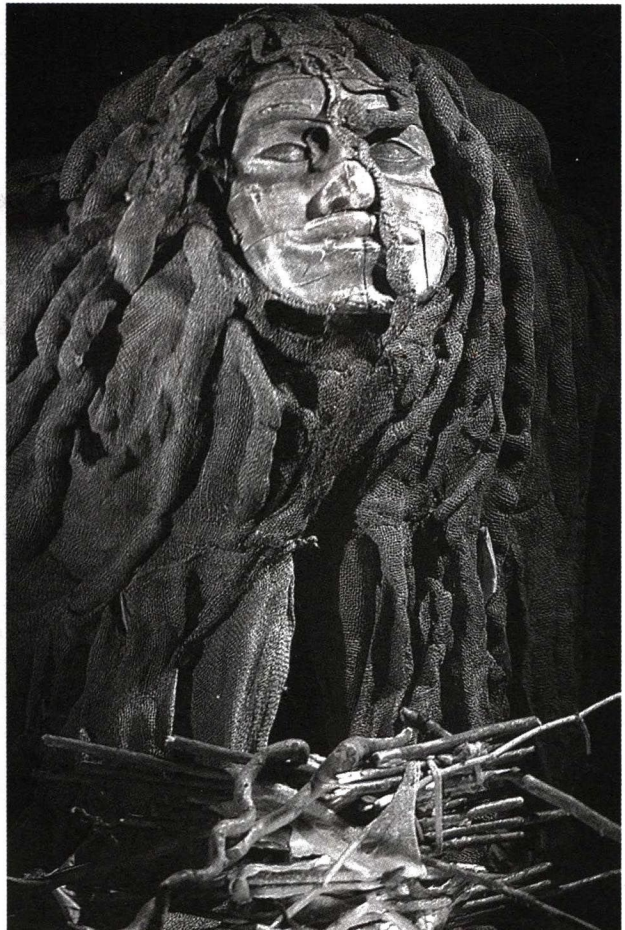
نمایشی مختلف آن قدر هوشمندانه عمل کرده‌است که اگر حتی نمایش به زبان هلندی هم به اجرا در می‌آمد باز هم با استقبال چشمگیری مواجهه می‌شد. چرا که خانم شارلوت پویک از تماشاگرش دعوت می‌کند که صحنه‌های نمایش‌اش در پس یکدیگر به‌صورت متناوب ببیند و پس از پایان این پنجاه و پنج دقیقه آنها را به‌صورت مجزا در کنار هم قرار داده و نتیجه‌گیری کند. این مهم‌ترین نکته‌ی این نمایش است که دست و پا زدن تمامی موجودات را با مرگ - حتی کلاغ‌ها را که عمری به نسبت دراز دارند- با همان عروسک‌های بعضاً عجیب و غریبش در راستای یکدیگر و در پدیده‌ی اثر به نمایش می‌گذارد. پس از نمایش «مالیخولیای گذر زمان» این نمایش دومین اثری است که اهمیت گذر زمان و فرارسیدن مرگ را به تماشاگرش گوشزد می‌کند. در نتیجه می‌توان نمایش «پانتارای II» را نمایشی ارزشمند به لحاظ طراحی عروسک، صحنه و شکل اجرایی آن دانست.

*هراکلیوس

همه‌چیز در جهان بر پایه تغییر و تحولات استوار شده‌است و هیچ چیز واقعی‌تر از تغییر و تحولات نیست. فلسفه مرگ و پایان هستی در کنار پوچی و ماهیت درون تهی دنیایی بارها و بارها در اغلب مکتوبات فرهنگی و مذهبی، انسان‌ها را به فانی بودن جهان پیرامونشان آگاه ساخته‌اند. حال اگر به نمایشی که پیش از نمایش آن بر صحنه گمانه زنی‌های فانتزی بودنش بر زبان تماشاگران جاری می‌شود، این موضوع را دست‌آویز شکل اجرایی و روایت خود کند. با آن چگونه باید رودر رو شد. نمایش «پانتارای II» در شکل، فرم و ماهیت اجرایی‌اش که روایتی را نیز دنبال نمی‌کند. می‌خواهد بگوید که ما چگونه باید خودمان را درک کنیم، هر چند که تماشاگران ما در سالن‌های نمایشی به طرفه‌العینی می‌خندند باید چگونه با این نمایش که چون آینه برابرها قرار گرفته برخورد کنند. نمایش پانتارای II در سه جنبه‌ی طراحی عروسک، فرم اجرایی و ماهیت شکل‌گیری پیام‌آور این نکته است که ما با چنگ و دندان در تلاش هستیم تا بقایمان را حفظ کنیم. اما مرگ می‌آید، خواسته و یا ناخواسته.

نمایش از دریدن پرده‌ای سفید، که نشانه‌ی تولد است آغاز می‌شود و این تولد آغازی بر تحول و فرسودگی موجودات است. فرسودگی آدم‌ها و یا بهتر باید گفت موجوداتی که در حفظ بقایشان با چنگ و دندان می‌جنگند اما باز فنا می‌شوند. شارلوت پویک در این نمایش در کنار ایجاد بستری مناسب برای ارائه و طرح سؤالاتی اساسی در ذهن مخاطب می‌خواهد در وجود این تماشاگر رسوخ کند و او را متوجه اساسی‌ترین نکته نمایش‌اش سازد که ما بی‌جهت در تلاشیم تا با چنگ‌اندازی به زندگی آن را حفظ کنیم.

این تلاش در کنار ما خواهد بود در همه حال، همه وضعیت و هر سنی که باشیم، حتی اگر فرسودگی وجود مان را به لاشه‌ای بدبو تبدیل کند. این تلاش عبث همچنان ادامه خواهد یافت. در راستای صدور این پیام نمایش ابزاری است تا شکل اجرا بر تماشاگران آن اثر کند. نمایش عروسکی در کنار اهمیت بازی‌دهنده‌گی عروسک طراحی ویژه‌ای را می‌طلبد، تا تماشاگر پیام نمایش را درک کند و بپذیرد. باید



نشریه روزانه یازدهمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مهرگان

اشیاء، دست‌ها، عروسک‌ها

کوتاه طراحی شده که نمی‌تواند - و قرار هم نبوده - به داستان پروازی برسد اما در همان فاصله کوتاه و با هدف گذاری مشخص برای عروسک‌ها سعی شده قابلیت‌های عروسک‌ها به اندازه کافی به نمایش گذاشته شود و هر آنچه مخاطب را وسوسه ادامه دادن تماشای چنین نمایشی می‌کند را در دل خود دارد اما...

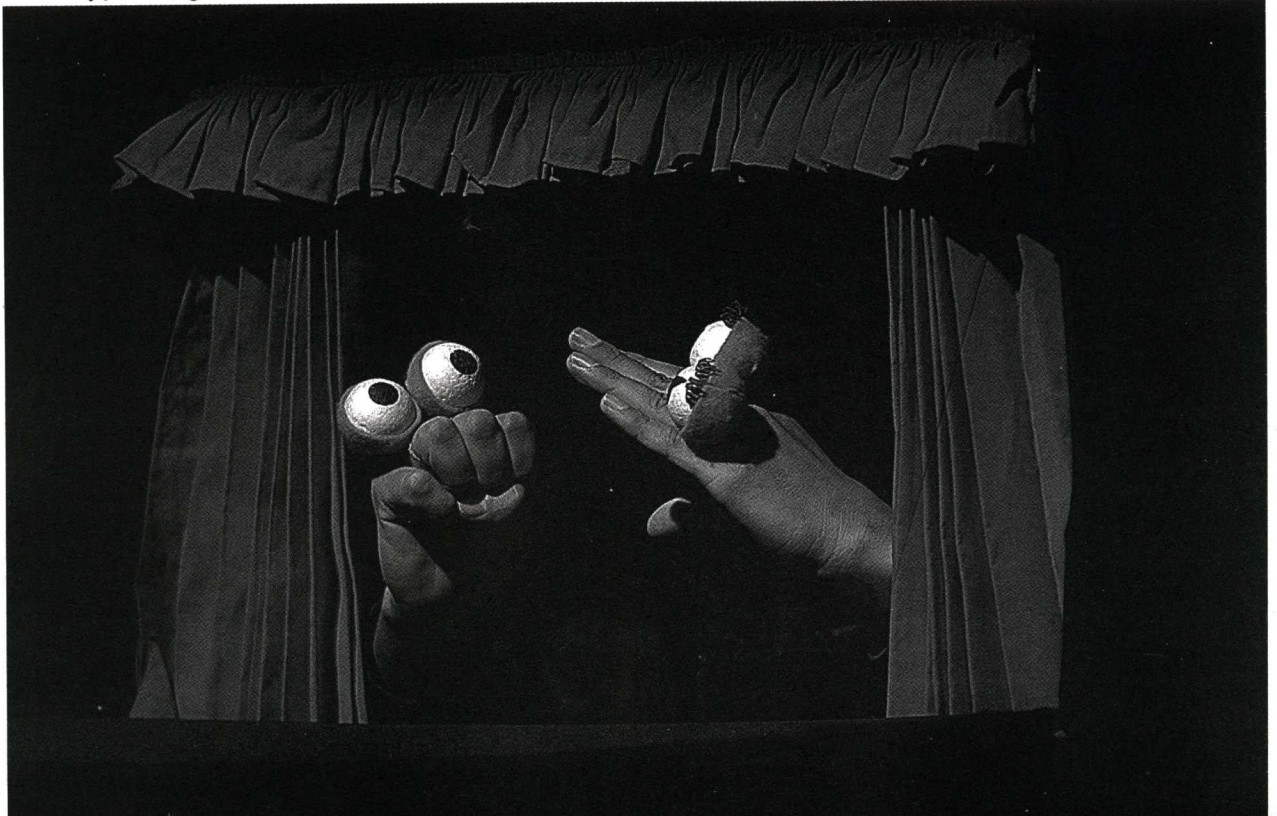
نکته دیگری که به‌عنوان کلید موفقیت انیمالیا می‌توان بر شمرده تسلط کافی بازیگردان - عروسک‌ساز به شرایطی که در آن قرار گرفته و درک محدودیت‌ها و مسؤلیت‌های چندباره‌اش به‌عنوان تنها بازی‌ساز نمایش است. نقطه مطلوب هر عروسک‌گردانی آنجاست که تماشاگر عروسک گردان را و عمل او را از یاد ببرد و عروسک را ببیند. عروسک گردان آنقدر باید روی عروسک تمرکز داشته باشد که بتواند تمرکز را از خودش دور کند. حالا در شرایطی که دست‌های یک عروسک گردان هم نقش بازی دهنده دارد و هم عروسک مهارت چند باره عروسک گردان را می‌خواهد، به اینها محدودیت حرکتی که بازیگردان در چنین موقعیتی دارد و همین طور بداهه ساخته شدن عروسک در زمان اجرا را نیز اضافه کنید. شاید برای همین است که طراح نمایش تصمیم می‌گیرد از یک نفر روی صحنه استفاده کند و کمکی برای او نطلبند تا تمرکز لازم فراهم باشد. و در این نمایش از این جهت تماشاگر راضی‌از سالن بیرون می‌رود اما... درست از نیمه‌های نمایش است که به واسطه نور و موسیقی یک‌نواخت و عدم وجود صحنه‌هایی که به‌صورت ضربتی حس تازگی دوباره را در مخاطب زنده کند و عدم استفاده از آوا، انیمالیا در لحظاتی چشمان تماشاگر را سنگین می‌کند. عدم پیوند درونی صحنه‌ها هم باعث می‌شود تماشاگر نیازی به دیدن همه اپیزودها احساس نکند. در نهایت آنچه در ذهن تماشاگر نمایش عروسکی انیمالیا می‌ماند دست‌هایی در شکل عروسک، تصاویری پراکنده اما به یاد ماندنی است و البته نگاهی عروسکی هستند به‌جنبه‌هایی از حیات حیوانات؛ عشق، بقا، شکار و...

هرشیء یک عروسک است. آیا دست و پای آدم هم می‌تواند شیء تلقی شود؟ در دنیای عروسکی نه تنها جواب به این سوال مثبت است بلکه تلقی کردن دست به‌عنوان یک شیء و تبدیل آن به عروسک، مسیر خلاقه‌ای برای نمایش عروسکی است.

طی این سال‌ها در جشنواره نمایش عروسکی خودمان به دفعات با چنین نمایش‌های خلاقانه برخورد کرده‌ایم که کمابیش هم تجربه آنها نشان داده که اگر ایده‌ای نو و اجرایی دقیق و باور پذیر در استفاده از دست‌ها و تبدیل آنها به عروسک وجود داشته باشد نه تنها در برخورد با مخاطب به کسب رضایت مخاطب می‌انجامد بلکه می‌تواند به‌عنوانی اثری پویا و نمونه سال‌ها در ذهن مخاطبان بماند. نمایش «انیمالیا» از کشور انگلستان را هم می‌توان یکی از همین نمونه‌ها دانست گرچه با اما و اگرهایی همراه است.

درباره نمایشی که از عرصه تکنیکال محض فاصله می‌گیرد و به عرصه خلاقیت ناب نزدیک می‌شود نمی‌توان به راحتی دسته دیگر نوشت چرا که «خلاقیت» تعریف و چهارچوب ندارد حتی اگر تکرار آن مانند همین تبدیل دست‌ها به عروسک‌ها نوع جدیدی از نمایش عروسکی را تعریف کرده باشد.

«انیمالیا» که یک عروسک گردان را در صحنه با مخاطب تنها می‌گذاشت، از حدود ۰۱ اپیزود کوتاه تشکیل می‌شود. در هر اپیزود نیز دست‌های عروسک گردان، یک حیوان را شکل و بازی می‌داد: خروس، عنکبوت، حلزون، خرگوش، گربه، خرچنگ، عروس دریایی و... بدون شک قبل از هر چیز می‌توان درباره فیزیکی عروسک‌ها صحبت کرد و بازسازی نزدیک به واقعیت آنها. در این زمینه طراحی و بازیگردان - عروسک‌ساز در نهایت ظرافت و دقت عروسک‌هایی را می‌سازند و بازی می‌دهند که نه تنها باور پذیر هستند بلکه قابلیت فیزیکی این‌را پیدا می‌کنند که تبدیل به «کاراکتر» شوند. شوخ، خشن، عصبانی، مهربان و... این همان لحظه‌ای است که بعد از شکل عروسک به پیوند مخاطب با نمایش کمک می‌کند. هرچند هر اپیزود آنقدر





A REVIEW OF PROFESSIONAL ROY FERRATI

Relationship between Puppet and puppeteer needs contemplation

Roy Ferrati director of Oppressed theater of Paris and assistant of Augusto Boal conducts a three day workshop of café of city theater .Ferrati began his career since 1974 .He went to Brazil , Portugal, London and from there he went to Paris. In Paris he met great directors like Arien Menoshkhin, Bob Wilson and others. Ferrati was invited to attend the Shiraz Art Festival when he was a young actor but due to the political situations of Brazil he couldn't come to Iran. It was his dream to travel to Iran and participate in a theater festival, since then. He sees the artists as the main messengers of humanity in the world, and considers the theater festivals as best medium for this end. In his workshop he stated that in the relationship of puppet and puppeteer the main factor is "contemplation, a relationship of live thoughtfulness. If it is not so and we think that it should be an obedient puppet under order of puppeteer we are wrong. Because the puppet has live expression and lively relationship with its puppeteer.

It is same as the relationship of actor and director. "Augusto Boal's assistant continued "Theater originates from the depth of society and nourishes from people. It talks about their problems and their thoughts. So the very reason of theater is the mutual relations of the audience and performer so in every work of theater the actors and director joins together in unison." He said that some people think that according to Boal they must quarrel on the stage. Normally we do this because we want to find the personae. Just like the relationship of puppet and puppeteer. "He said,"The puppeteer must think and contemplate for finding the notions of his or her puppets. Even he /she can change the puppet when it does not satisfy him. This is the function of man in live theater. "Roy Ferrati said that there are directors who are masters of genre and some who are not very talented .The latter are boring for the audience. But the former draws the audience and urge him to think .These director are successful in their relationship with the actors and regard it is a creative contact. That is they transfer the idea to the actor and wait for his reaction. Of this relation a mutual understanding rises. "He pointed out to puppet theater and said," In all critical situations in different societies the puppets are a useful medium for relating the notions .From the very beginning there is a definition that puppet theater is a genre of drama for creating a mutual understanding with the audience and the important is the result."

He will have some exercise of Boal's methods with the students in the remaining couple of days.

WARM AND KIND WORLD OF MARIONETTES

Massimo Schuster Director of World UNIMA is the guest of honor in Tehran International Puppet Theater for the second time. He had a close encounter with Iranian Puppets last year. Now he believes that the Tehran International Puppet Theater is reasonably acceptable one. He is willing to have a better view of the Iranian old Puppets Theater more than ever. Schuster an Italian national sees himself as the God father of puppets of the world.

Your visit to the Tehran International Theater last year was in fact an event. Now you are back again .How much is it important in your presence increase the supports of UNIMA from Iranian Puppet Theater?

UNIMA has 68 member countries. I have tried to introduce the traditions of Puppet Theater of member countries through this organization throughout the world. UNIMA has not much financial resources and mainly tries to introduce the culture and traditions of the countries. I am here as an observer for the second time. I had been here two years ago I knew nothing about the Iranian Puppets .Fortunately the Iranian Puppetry is very rich in tradition And they can be introduced in the world .The puppets travel to Iran even in the regional crisis in middle East and political situation without prejudice relationship in the world of puppets and art warmer than the world of politics.

How can UNIMA help the Iranian Puppet Theater? How does it provide with Iranian Puppets Theater?

The most important point is that there are approaches for progress The authorities should consider the works and troupes and their culture beside the talent and creativity, in order to obtain innovations .It is not a bad idea that your puppet theater relays on Mobarak but it must not repeated in a circle. Mobarak is not a funny character for making you laugh .It is like other puppets of the world uses satire and irony in order to criticize the despotic powers, be it a chief of a village pr even a monarch. For the right criticism one needs courage and in many countries it costs a lot. Executive council in UNIMA has 18 members elected from 68 members .I.R. of Iran has the opportunity to becoming a member of Executive council due to an eminent character of Mr.Behrooz Gharibpour. It is a privilege that can be used for a larger contacts with world troupes and International festivals .I am not involved in the Iranian Theater problem .JF Kennedy has a famous quotation about the United States ,Saying" Do not Ask What America has done for us, Ask what have you done for America." This quotation is correctly applied to you as well. I performed In Sarajevo to introduce the puppets to people and make them happy and hopeful .Some thought I am going crazy.

What is your evaluation of Iranian Puppet Theater?

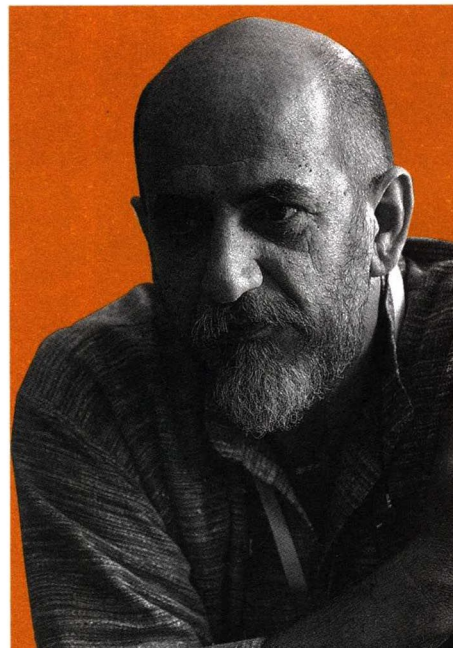
I saw about 15 works an the last festival in Tehran.2 or 3 of them were very excellent. One of them was performed by ladies and the other one was performed by a troupe of 15 puppeteers. They were excellent.2 out of 15 is a very good record in the International level. I have seen modern works with praising innovations. For me the important matter is traditional puppet theater.

Two years ago you said that UNIMA is compiling an encyclopedia of puppet theater .Is Mobarak included in it?

This is a long term planning which is going about ten years now. It is in French but it will be translated into Italian and Spanish as well. Our goal is providing an on-line edition for public access. But we will publish hard cover and deluxe edition for fundraising as well. We want to express our approaches in spreading peace regardless of races, religions and color of people. Behtooz Gharibpour is a very helpful contributor and has included a large amount of Mobarak and other Muslim countries puppet theater.

As a final question you are described as the god father of world puppets and Marionettes .what is your most favorite puppets?

Poopy the Sicilian one .He is very attractive and variable character .Sicily has a very rich culture, although it is known as Mafia cradle. Poopy is very kind and loved one one.



Mobarak

6

8Sep
2006

Daily Bulletin of The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak

نمایش گرگ، روباه، کلاغ
کارگردان: عادل بزوده ۱۳۷۸



Dramatic
Arts
Center



خانه هنرمندان ایران



مخون پرورش فکری
کودکان و نوجوانان



زبان آنگلی برای شهروندان ایران



گروه آموزشی هنرهای نمایشی
دانشگاه هنرهای نمایشی و موسیقی



انجمن نمایش